

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

۱۰/۱۱/۰۱

## تفاله های امپریالیزم

در این روز ها که نتایج "مضحکه انتخابات استعماری" تا حدودی خود را آشکار نموده و در خطوط کلی آن فقط کسانی از خم رنگریزی استعمار پیروز بدر شده که در دشمنی با نیروهای به اصطلاح چپ جامعه شهره آفاق اند و دیگر در "طویلۀ اورژانس" نه از خلقی- پرچمی خیری هست و نه هم از خاینین به مردم برخاسته از طیف جنبش دموکراتیک نوین؛ چنین وضعیتی برای عده زیادی از مردم سوالی گردیده که می باید به پاسخ آن اقدام ورزید. آنچه در ذیل خدمت تان تقدیم می گردد، می تواند به مثابه نقطه آغازی برای یک تحقیق دومیار به شمار آید که به یقین خالی از نقصان نخواهد بود.

امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء به دنبال آن که ضمن جلسۀ معروف بن در اکتبر ۲۰۰۱ توانستند احاد اسلام سیاسی و انقیاد طلبان طرفدار غرب را زیر یک چتر جمع نمایند و همه را در خدمت اهداف غارتگرانه استعماری خویش سازمان دهند. یگانه دغدغه خاطر را از به اصطلاح طیف نامنهاد چپ در آن زمان داشتند. این دغدغه خاطر به صورت عمده می توانست زمانی به یک کابوس وحشتناک مبدل گردد که نهاد ها و یا افرادی از موضع چپ و در تقابل با طالب و شغالگران امپریالیزم را به نبرد فراخواند، چه در آنصورت بود که تمام ترنند های امپریالیستی دال بر آن که گویا می خواهند "علیه عقب گرائی های طالب، تأمین حقوق و آزادی های زنان و ..." مبارزه نمایند، رنگ باخته سیاست های استعماری و غارتگرانه آنها از ورای سرخاب "دموکراسی و آزادی" خود را نمایان می ساخت.

امپریالیزم برای پرهیز از چنین رسوائی و افتضاحی، با امکاناتی که از دو دهه بیشتر بالای آن کار انجام داده بود، فضاء را قسمی به وجود آورد تا زودتر از همه به اصطلاح مشروعیت و قانونیت اداره مستعمراتی کابل را از طیف به اصطلاح چپ نامنهاد حاصل نماید. برای رسیدن به چنین مأمولی در خطوط کلی خود امپریالیزم به دو نوع به اصطلاح چپ مواجه بود:

۱- خلقی – پرچمی ها و دنباله روان شان

۲- بقایای جنبش دموکراتیک نوین

خلقی – پرچمی ها علاوه از آن که کوهواره جنایات زمان حاکمیت ۱۴ ساله را با خود داشتند و تمام امید شان از اداره مستعمراتی جدید تأمین امنیت جانی برای آنها و گریز از محاکمه به جرم جنایت علیه بشریت بود، و از لحاظ ایدئولوژیک نیز برای راه یافتن به پارلمان کدام مشکلی را احساس نمی نمودند، وقتی در نخستین روز های اشغال کشور به وسیله امپریالیزم امریکا و شرکاء با کرشمه های "زلمی خلیزاد" و حاتم بخشی های وی در جذب آنها در قدرت مواجه گردیدند، چنان حالتی را به مثابه چانس طلایی تشخیص نموده از دل و جان کمر خدمت برای امپریالیزم بستند. در نتیجه در هرکجا که امپریالیزم به خدمت آنها نیاز داشت، چه اداره استخبارات بود و یا اردو، چه مراکز قانون گذاری بود و یا اجرائی، با تمام قواء در رکاب اشغالگران به خدمت مشغول گردیدند.

عکس گروه اولی، طیف چپ برخاسته از جنبش دموکراتیک نوین که به علاوه پراکندگی، برخی از آنها فرسخ ها از مواضع آن جنبش فاصله داشتند، هر چند مانند خلقی – پرچمی ها نمی بایست آمدن امپریالیزم را ضامن بقای فزیکوی خویش می دانستند زیرا خیانت و جنایتی را مرتکب نشده بودند تا از آن هراس داشته باشند آنها نیز در مقابل آن کرشمه ها مقاومت نتوانسته، به امید دستیابی به چند "ان جی او" و در نهایت مقام و احیاناً مدالی چند به مانند خلقی – پرچمی ها جسم و روح خویش را در اختیار امپریالیزم قرار دادند.

بر همین مبناست که اداره مستعمراتی در آغاز شکل گیری در تمام ساحه ها از افرادی که زمانی به چپ منسوب بودند، بهره جسته و آنها را به مقامات بالا مقرر نمود. امپریالیزم و اداره مستعمراتی با آن کار از یک جانب کوشیدند تا مانع مشروعیت و قانونیت خود را در بین آن طیف از پیش پا بردارند و از طرف دیگر از تجربه حکومت داری یک بخش و نام نیک بخش دیگر نیز سود جسته، در اذهان عامه از خود تصویر یک اداره با پایه های وسیع را رقم زدند.

در جریان این ۹ سال امپریالیزم قادر شد به علاوه آن که کادر لازم را برای اداره های مورد نظر از طرق مختلف به ویژه "ان جی او" ها پرورش دهد، از تجربه و اعتبار کدائی چپ نامنهاد نیز حد اکثر سود را بجوید. این مسأله برای آنهائیکه از آغاز شامل این پروژه بودند تا حدی آشکار بود که خلاف دوره اول انتخابات در مضحکه پارلمان و انتخابات کدائی به اصطلاح ریاست جمهوری، در مضحکه انتخابات کنونی فعالانه سهم نگرفته به همان میزان پول و مدالی که در دور نخست به دست آوردند، قناعت ورزیدند؛ مگر خلقی ها – پرچمی ها و عده دیگری که دیر به دنیا آمده اند، اولی بر مبنای خط فکری و دومی آزمندی های خرده بورژواامابانه، از زیرکی مدال گیران غافل مانده در آن مضحکه وارد شدند.

تجربه نشان داد که امپریالیزم بعد از رفع احتیاج مشروعیت، بیشتر از آن آنها را به بازی نگرفته و به مانند تفاله های بویناک به دور انداخت.

اگر قرار باشد برای ننگ هم مدارجی قایل شد، چه ننگی بالاتر از آن که کسی را حتا امپریالیزم هم شایسته خدمت به خود تشخیص ننموده و به مانند یک کثافت متعفن دور بیندازد. این افراد باید بدانند صرف نظر از آن که با شرکت در مبارزه انتخابات پارلمانی در عمل به اشغال کشور صحه گذاشته اند و در نتیجه خاین به کشور و خاین به جنبش دموکراتیک نوین که یکی از شاخص های برجسته آن مبارزه علیه پارلمانتاریزم خلق و پرچم بود، می باشند، **آن قدر حقیر اند که حتا امپریالیزم نیز آنها را شایسته خدمت به خود ندانست.**